



مركز جهانی علوم اسلامی

جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

## موارد و جوب زکات

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش:؛ فقه و اصول

نگارش:؛ عید الاحد فیاض

استاد راهنما:؛ حجة الاسلام و المسلمین عباس کوثری

استاد مشاور:؛ حجة الاسلام و المسلمین حسن شکوری

تیر ۱۳۸۶

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی  
شماره ثبت: ۱۹۰  
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه ، به عهده نویسنده می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه یا ذکر منبع ، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس بی پایان پروردگار عالمیان را و درود و سلام بر سید و مولای ما رحمت جهانیان محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم و خاندان پاکش خصوصاً آخرین ذخیره الهی حجت ابن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که به ما توفیق عنایت فرمود تا رساله کارشناسی ارشد را که با عنوان «موارد و وجوب زکات» انتخاب نموده بودم به اتمام برسانم.

و بعد تقدیر و سپاس از مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی که زمینه تحقیق و پژوهش را برای طلاب و دانشجویان علوم اسلامی فراهم نموده اند. و هم چنین لازم می دانم از تمامی عزیزانی که به تحوی در تدوین این رساله ما را یاری رساندند به خصوص استاتید ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای کوثری و حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای شکوری (زید عزمها) که زحمت راهنمایی و مشاوره را به عهده داشتند؛ در مراحل گوناگون با راهنمایی ها و ارائه دیدگاههای راهگشای خویش ما را یاری نمودند؛ و از اوقات گرانبهای خویش سرمایه گذاری کردند؛ نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم.

روشن است اگر زحمات و راهنمایی های مشفقانه این بزرگواران نمی بود رساله کیفیت کنونی را نداشت؛ امید وارم خدای متان برای همه توفیق خدمت به دین و شریعت حیاتبخش و متعالی اسلام را عنایت فرماید.

انه سمیع مجیب.

## تقدیم و اهداء

این اثر تاجیز را به پیشگاه یگانه هستی مبلغ پیام و مبین احکام الهی خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت طاهرینش صلوات الله علیهم اجمعین؛ خصوصاً غنچه های تشکفته احیاگر شریعت نبوی تازدانه رقیه سه ساله و لاله پرپر شده عاشبورا علی اصغر شیر خواره علیهما السلام که برای احیای آیین حیات بخش اسلام مظلومانه به سوی جانان پر کشیدند و با اشک دیده و خون گلوی خویش درخت پزیرمردۀ اسلام را آبیاری نمودند تا اسلام و احکام تورانی آن برای همیشه ثابت و پایدار بماند؛ و هم چنین به پیشگاه کریمه اهل بیت بی فاطمه معصومه سلام الله علیها که سالیانی زاهد در جوار حرم مطهر و بارگاه ملکوتیش به تحصیل علوم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم مشغول بوده و فطراتی از اقیانوس زلال و بی پایان آن بر گرفته ام؛ تقدیم می نمایم.

امید وارم مورد پذیرش و قبول آن ارواح پاک و تورانی قرار گیرد؛ و خداوند سبحان ثمرات مطلوب و مفید در جهت تعالیم روح بخش اسلام بر آن مترتب گرداند. ان شاء الله تعالی.

## چکیده مطالب

این رساله با نام «موارد وجوب زکات» در یک مقدمه و چهار فصل تهیه و تدوین شده است.

در مقدمه اطلاعاتی مربوط به طرح تحقیق قرار دارد. فصل اول در کلیات و مفاهیم می باشد. که در آن لغات مرتبط یا موضوع مانند: تصاب، انعام ثلاثه، غلات اربعه و... و زکات آمده است. زکات در لغت به معنای نمو و طهارت می باشد. و در اصطلاح شرع یا متشرعه، واجب مالی است که خداوند طبق احکام و قوانین مشخص بر اموال و دارایی های بندگان واجب کرده است. صدقه و اتفاق از واژه های هستند که با زکات مرتبط اند. از نظر پیشینه، زکات اختصاص به دین اسلام ندارد بلکه در ادیان و شرایع توحیدی قبل از اسلام نیز وجود داشته است. زکات در اسلام دارای اهمیت بسیار بالایی است، از پایه های دین اسلام، هم‌رتبه نماز و شرط قبولی آن، جدا کننده شرک از ایمان و صفت اولیای خاص الهی بیان شده است. زکات دارای ابعاد گوناگون عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، می باشد که سبب تقرب به خدا، تطهیر و تزکیه مالها و جانها، امتیث و رونق اقتصاد اجتماع و... حفظ و تقویت نظام اسلامی می گردد. انکار و سرپیچی از پرداخت آن، انکار دین محسوب می گردد و پیامد های ناگوار دنیوی و اخروی را به دنبال دارد. فصل دوم در وجوب زکات و دلایل آن می باشد، آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم السلام و فتاوی فقهای اسلام گویای آن است که زکات امر واجبی است که شرایطی برای آن قرار داده شده و در پرداخت آن نیت واجب می باشد. زکات به دلیل آیات، روایات و اجماع در عین تعلق می گیرد. در ذمه. در اینکه آیا فقرا و... مالک اموال زکوی هستند و یا تنها استحقاق آن را دارند. کلمات فقهاء متفاوت است. هر چند نظریه استحقاق قوی تر می نماید. در فصل سوم موارد قطعی وجوب زکات (غلات اربعه، انعام ثلاثه، نقدین) و دلایل و شرایط وجوب و تصاب آنها آمده است. فصل چهارم در انحصار و عدم آن می باشد دیدگاه فقهای شیعه در این مورد مختلف است اکثر آنها معتقد به انحصار وجوب زکات در نه مورد می باشد ولی عده دیگر با این دیدگاه مخالفند و معتقد به گسترش آن به موارد دیگر نیز می باشند. مشهور به روایات، اجماع و اصل تمسک تموده اند و غیر مشهور نیز به روایات، جعل زکات برای اسبها از سوی امام علی علیه السلام، عمومات آیات و... تمسک جسته اند. در ادامه دلایل هر دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته و در آخر دیدگاه غیر انحصار با تکیه بر قرائن و شواهد؛ تأیید و تقویت شده است.

## فهرست مطالب

۱	پیش گفتار
۲	تعریف مسأله
۳	سؤالیهای تحقیق
۳	سابقه تحقیق و ضرورت آن
۴	فرضیه های تحقیق
۵	اهداف تحقیق
۵	نوآوری تحقیق
۵	روشن انجام تحقیق
۵	گردآوری اطلاعات و داده ها
۵	قلمرو تحقیق
۶	موانع و مشکلات تحقیق
۶	سامان دهی تحقیق
۶	یادآوری
۷	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۷	۱- نصاب
۷	الف) نصاب در لغت
۸	ب) نصاب در اصطلاح
۹	۲- نقدین
۹	الف) نقدین در لغت
۱۰	ب) نقدین در اصطلاح
۱۱	۳- انعام ثلاثه
۱۱	الف) انعام ثلاثه در لغت

۴۴	الف) قرآن
۴۷	ب) سنت
۴۹	ج) اجماع
۵۱	شرایط وجوب زکات
۵۳	کیفیت تعلق زکات
۶۱	ملکیت اموال زکوی
۶۹	فصل سوم: موارد قطعی وجوب زکات
۶۹	الف) غلات چهار گانه: گندم، جو، خرما و کشمش
۶۹	۱- دلایل وجوب
۷۰	۲- شرایط وجوب
۷۱	۳- نصاب در موارد منصوص
۷۲	ب) انعام سه گانه: شتر، گاو و گوسفند
۷۲	۱- دلایل وجوب
۷۳	۲- شرایط وجوب
۷۴	۳- نصاب در موارد منصوص
۷۴	۱- ۳ نصاب شتر
۷۵	۲- ۳ نصاب گاو
۷۵	۳- ۳ نصاب گوسفند
۷۶	ج) نقدین: طلا و نقره
۷۶	۱- دلایل وجوب
۷۸	۲- شرایط وجوب
۷۹	۳- نصاب در موارد منصوص
۸۱	فصل چهارم: انحصار وجوب زکات و عدم آن در موارد نه گانه
۸۱	انحصار زکات در انظار فقیهان
۸۳	الف: دلایل انحصار
۸۴	۱- روایات
۸۶	۲- اجماع
۸۷	۳- اصالة البرائة
۸۹	اما روایات
۸۹	اما اجماع
۹۰	اما اصل
۹۰	عدم انحصار زکات در انظار فقیهان
۹۱	۱- نظر یونس بن عبد الرحمان



- ۱۲ ----- (ب) انعام: ثلاثه در اصطلاح
- ۱۳ ----- ۴- غلات اربعه
- ۱۳ ----- (الف) غلات در لغت
- ۱۴ ----- (ب) غلات در اصطلاح
- ۱۴ ----- ۵- ولایی
- ۱۴ ----- (الف) ولایت در لغت
- ۱۶ ----- ب- ولایت در اصطلاح
- ۱۷ ----- ۶- تشریحی
- ۱۷ ----- (الف) تشریح در لغت
- ۱۸ ----- (ب) تشریح در اصطلاح
- ۲۰ ----- ۷- زکات
- ۲۰ ----- (الف) زکات در لغت
- ۲۱ ----- (ب) زکات در اصطلاح
- ۲۳ ----- ۸- صدقه در لغت و اصطلاح
- ۲۴ ----- ۹- انفاق در لغت و اصطلاح
- ۲۵ ----- تفاوت زکات، با صدقه و انفاق
- ۲۷ ----- پیشینه بحث زکات
- ۲۹ ----- اهمیت زکات
- ۳۲ ----- اهداف تشریح زکات (موارد منصوص)
- ۳۳ ----- ۱- زکات سبب پاکی جان و افزایش مال است
- ۳۴ ----- ۲- زکات وسیله تأمین مالی نیازمندان جامعه اسلامی است
- ۳۵ ----- ۳- زکات وسیله آزمایش ثروت‌مندان است
- ۳۶ ----- ۴- زکات سبب مواسات میان مسلمین است
- ۳۷ ----- ۵- و حکمت‌های دیگری همچون:
- ۳۸ ----- کیف‌پرداختن زکات
- ۳۸ ----- (الف) قرآن کریم (آیات)
- ۴۰ ----- (ب) سنت (روایات)
- ۴۳ ----- فصل دوم: وجوب زکات و دلایل آن

- ۹۲- نظر فقهاء در زکات مال التجاره -----
- ۹۵- نظر فقهاء در زکات اوراق نقدی امروزی (اسکناس و غیر آن) -----
- ۹۸- اختیار حاکم اسلامی و ولی امر مسلمین در تعیین موارد اخذ زکات -----
- ۱۰۴- ب. دلایل عدم انحصار -----
- ۱۰۴- ۱- روایات توسعه -----
- ۱۰۷- ۲- جعل زکات برای اسبها از جانب امام علی علیه السلام -----
- ۱۱۰- ۳- اطلاقات و عمومات آیات -----
- ۱۱۱- ۴- فلسفه تشریح زکات -----
- ۱۱۴- ۵- گستردگی موارد مصرف زکات -----
- ۱۱۴- ۶- زکات یکی از منابع مالی دولت اسلامی -----
- ۱۱۷- ۷- روایات دارای کلمه عفو -----
- ۱۲۰- جمع بندی و بررسی دلایل دو دیدگاه -----
- ۱۲۵- راهنمای ارائه شده برای جمع بین روایات حاصره و توسعه -----
- ۱۲۵- ۱- اختصاص روایات حاصره به اوائل نبوت پیامبر اسلام (ص) -----
- ۱۲۷- ۲- حمل روایات توسعه بر استحباب -----
- ۱۲۹- ۳- حمل روایات توسعه بر تقیه -----
- ۱۳۴- ۴- تشریح اصل زکات و واگذاری تعیین موارد آن به حاکم اسلامی -----
- ۱۳۸- خلاصه بحث -----
- ۱۴۱- نتیجه بحث -----
- ۱۴۳- منابع و مأخذ -----

## پیش‌گفتار

قوله تعالی: «خَدَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup> (ای پیامبر) از اموال آنها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی و (به هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش دلهای آنها است و خداوند شتوا و دانا است.

مایه حق معتقدیم که اسلام عزیز و پیامبر گرامی اش آخرین هدیه پروردگار و خاتم پیام آوران الهی است؛ لذا در تمام ابعاد زندگی انسانها و برای تمام عصرها دارای دستور العمل و برنامه می باشد و خطوط کلی زندگی فردی و اجتماعی را ترسیم نموده قوانین و مقررات خاصی را در جهت تحکیم پایه های روابط انسان با خدا، روابط انسان با انسان و روابط انسان با مخلوقات دیگر در نظر گرفته است. یکی از احکام و دستوراتی که در اسلام از اهمیت خاص و جایگاه والایی برخوردار است و در زندگی فردی و اجتماعی آثار متعددی را دارد حکم زکات می باشد. قرآن کریم در آیات متعددی زکات را در کنار نماز آورده و پرداخت آن را مورد تاکید و سفارش قرار داده است، در روایات فراوان و متواتری که در متون دینی آمده، پس از نماز، مهم ترین پایه دین محسوب شده، علما و فقهای همه مذاهب اسلامی و جویب آن را از ضروریات اسلام دانسته اند؛

از این روی شناخت و آشنایی با مسایل و احکام آن؛ برای هر فرد مسلمان لازم و ضروری می باشد. در این میان یکی از مسایل مهم در فقه اسلام؛ متعلقات و موارد وجوب زکات است، که از زاویه های مختلف قابل بحث و بررسی می باشد، پرسش اساسی که در اینجا مطرح است؛ این است که: آیا زکات قرار داده شده در اشیای ته گانه، از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم امر ولایی و به لحاظ نیاز جامعه و ثروت اصلی مردم عصرش بوده و یا اینکه حکم شرعی و دائمی برای همه زمان ها است؟ در این مورد علاوه بر اختلاف نظر های که بین دانشمندان و فقهای اسلامی به طور عموم وجود دارد؛ میان فقهای

شیعه نیز اتفاق نظر و هم‌رأیی نیست؛ بلکه نسبت به آن اختلاف نظر وجود دارد. این مسأله است که ما در این رساله آن را از دیدگاه فقه و فقهای شیعه مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

تلاش ما در این رساله بر آن بوده است که: دیدگاه هر دو گروه [انحصاریها و غیر انحصاریها] را همراه با دلایل و مستندات آنها بر رسی نموده و نظریه که مناسب یا شرایط زمان ما که دوره حاکمیت فقیه جامع شرایط و میسوط الید بودن فقهاء می باشد انتخاب نمائیم؛ و ما در این امر با استفاده از روایات و کلمات دانشمندان؛ به این نتیجه رسیده ایم، که این تا هماهنگی به گونه ای می شود یا هم هماهنگ و سازگار باشد. چه اینکه عمده منشأ اختلاف دو دیدگاه روایات می باشد؛ که بر اساس حکومتی بودن زکات و ولایی بودن تعیین موارد آن؛ این سازگاری ها بر طرف می گردد و نسبت به سؤالات و پرسشهای چگونگی سازگاری آن یا دنیای معاصر که با عصر تشریح به شدت متفاوت و متغیر است پاسخ داده می شود.

البته لازم به یاد آوری است؛ آنچه که در این نوشتار آمده نتیجه یک تحقیق مختصر و اجمالی در این موضوع است؛ طبیعی است این گونه مباحث به جهت اهمیت ویژه و حساس بودن شان نیازمند تحقیق و کنکاش های بیشتری می باشد؛ تا مطالب پخته تر مطرح شده موجب اطمینان بالاتری گردد. امید است با الطاف الهی و عنایات خاص ولی عصر (عج) نتایج مطلوبی بر آن مترتب و موجب خیر و صلاح در امت اسلام گردد.

وماتوفیقی الا بالله العلی العظیم علیه توکلت والیه انیب، انه سمیع مجیب.

### تعریف مسأله

ادیان آسمانی که به وسیله پیامبران الهی برای سعادت دنیوی و اخروی انسانها آورده شده اند، به ویژه دین مقدس اسلام که به وسیله خاتم پیامبران الهی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم آورده شده است، علاوه بر آنکه مردم را به یکتا پرستی و توجه به روز قیامت و تهذیب اخلاق دعوت می کند، موضوع اداره اجتماع و برقراری نظم و عدالت را نیز مورد توجه کامل قرار داده است. و برای این منظور احکام و دستوراتی را در نظر گرفته است، به عبارت دیگر همان گونه که در نظام فردی و خانوادگی دارای مقررات و دستوراتی می باشد در نظام اجتماعی و سیاسی نیز دارای قوانین و مقررات کامل و جامعی می باشد؛ به خوبی روشن است که در نظام سیاسی و اداره جامعه برای تنظیم امور و برقراری عدالت در ابعاد گوناگونش نیاز به منابع مالی می باشد؛ در این زمینه در اسلام احکام و مقرراتی به نام های مختلف مانند: خمس، زکات، و غیره وضع شده است. در این میان اصل وجوب زکات از

ضروریات دین اسلام است و مسایل مربوط به آن در فقه اسلامی از جایگاه ویژه برخوردار می باشد. یکی از مسایل مهم مطرح شده در فقه امامیه این است که: آیا وجوب زکات منحصر در موارد نه گانه (غلات اربعه، انعام ثلاثه، و نقدین) می باشد؟ یا می توان حکم آن را به موارد دیگر نیز تعمیم داد؛ این مسأله است که در این رساله به بحث گرفته شده است.

### سؤالاتی تحقیق

۱- آیا موارد وجوب زکات همان موارد نه گانه مشهور است که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تعیین شده است و یا اینکه آن موارد تخصصیتی ندارند و بیه اشیا و اموال دیگر نیز تعلق می گیرد؟

۲- آیا تعیین موارد نه گانه از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم امر ولایی بوده است و یا امر تشریحی؟

۳- آیا غیر از غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما، و کشمش) حیوانات دیگر نیز متعلق زکات واجب هستند؟

۴- آیا حیوانات دیگری هم غیر از حیوانات سه گانه (شتر، گاو و گوسفند) متعلق وجوب زکات هستند؟

۵- آیا زکات واجب تنها به نقدین طلا و نقره، (دینار و درهم) تعلق می گیرد و یا اینکه اسکناسها و پولهای رایج امروزی و مانند آن نیز متعلق وجوب زکات می باشند؟

### سابقه تحقیق و ضرورت آن

از آن جایی که منشأ این دو نظریه - انحصار زکات در موارد نه گانه مشهور و عدم انحصار آن در آن موارد - سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام می باشد؛ سابقه بحث ریشه در عصر معصوم علیه السلام دارد و در کتابهای فقهی فقیهان متقدم اعم از استدلالی و فتوایی مانند: مقنع شیخ صدوق، مقنعه شیخ مفید، انتصار سید مرتضی، مبسوط شیخ طوسی، غنیة ابن زهره و... مشهور می باشد، که به طور پیوسته تا زمان معاصر مورد بحث و بررسی فقیهان و دانشمندان امامیه قرار گرفته است. ولی با توجه به خاتمیت دین مقدس اسلام و استمرار و بقای آن تا قیام قیامت و پاسخگو بودن آن در تمام زمینه ها؛ و بعد از تشکیل حکومت اسلامی شیعی در ایران؛ این مسأله به صورت جدی تر مطرح شده است. و از اینجا است که برخی از فقیهان و اندیشمندان معاصر با نگاه نو به این موضوع؛ زمینه را برای ارائه نظرات جدید و متفاوت با تفکر حاکم در حوزه فقه فراهم کرده اند؛ از جمله کسانی که به این

موضوع پرداخته اند:

- ۱- اندیشمند بزرگ، شهید آیت الله سید محمد باقر صدر است که در بحثهای اقتصادی خویش نظریه عدم انحصار را مطرح کرده و تعیین موارد آن را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته است.
  - ۲- علامه محمد تقی جعفری، علامه محمد جواد مغنیه، آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، و... طرفدار این نظریه اند، که در نوشته ها و مقالات خودشان به این مطلب تصریح کرده اند.<sup>۱</sup>
  - ۳- رساله دکترای جناب آقای مهدی نظری و چند مقاله در مجلات تخصصی فقه اهلیت، فقه و...<sup>۲</sup>
  - ۴- تعدادی از مراجع عالی مقام معاصر نیز از بنای احتیاطیه وجوب زکات، در مال التجاره و اسکناسهای امروزی و سایر حیوانات - غیر از غلات اربعه - فتوی داده اند. و برخی دیگر از مراجع معظم به استحباب زکات سرمایه کسب و کار و تجارت فتوی داده اند.<sup>۳</sup>
- لذا ضروری می نماید که در این موضوع تحقیقی صورت گیرد که تعیین موارد وجوب زکات از سوی رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم به عنوان شارع بوده و یا به عنوان ولی و حاکم اسلامی؟ و آیا موارد نه گانه، موضوعیت دارند و حکم ثابت برای همه زمانها است، و یا اینکه موضوعیت ندارند، بلکه موارد ذکر شده در روایات حکم مثل و نمونه را دارند و بر اساس نیاز و مصالح جامعه و شرایط زمان و مکان قابل تغییر و دیگر گوتی اند؟

### فرضیه های تحقیق

۱. از غلات فقط در چهار نوع آن (گندم، جو، خرما و کشمش) زکات واجب تعلق می گیرد.
۲. از حیوانات فقط سه نوع آن (شتر، گاو و گوسفند) دارای زکات واجب می باشند.
۳. از نقدینه ها فقط طلا و نقره مسکوک (دینار و درهم) مورد وجوب زکات است.

۱. نک: رسائل فقهی، فقه الإمام جعفر الصادق علیه السلام ج ۲ ص ۷۶، مجموعه مقالات فقهی، مج ۱ و ۲، ولایة الفقیه و...

۲. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، سید موسی شبیری زنجانی رساله عملیه ج ۳، حسین علی منتظری، توضیح المسائل، سید محمد باقر شیرازی، حاشیه مجمع الرسائل (لصاحب الجواهر) ج ۱، محمد فاضل لنکرانی: «... ولی مستحب است زکات سرمایه کسب و کار و تجارت را نیز همه ساله بدهند». نزدیک به همین عبارت از ناصر مکارم شیرازی می باشد. توضیح المسائل معظم لهما و توضیح المسائل، مراجع ج ۲.

## اهداف تحقیق

از آن جایی که زکات یکی از واجبات مهم مالی در دین مقدس اسلام و یکی از منابع مهم مالی در حکومت اسلامی به حساب می‌آید؛ و نظریه انحصار و عدم آن دارای اثرات متفاوتی می‌باشد. ما را بر آن داشت تا تحقیقی در این زمینه انجام دهیم و هم‌چنین با این مسأله که از مسایل مهم زکات در فقه می‌باشد و نقش تعیین‌کننده در اقتصاد و زندگی اجتماع بشری دارد بیشتر آشنایی پیدا نماییم.

## نوآوری تحقیق

هر چند این مسأله از دیرباز مورد بحث و گفت‌وگو میان دانشمندان اسلامی در عرصه فقه بوده است؛ ولی در عین حال تا کنون به صورت خاص، جامع و مدون مورد بحث قرار نگرفته است. بلکه در لابلای کتب فقهی و استدلالی فقیهان قدیم و جدید و گاهی به صورت مقالات در مجلات پراکنده بوده است؛ ما در این رساله نظریات و دیدگاه‌های گوناگون را گردآوری نموده، دلایل و مستندات آنها را به طور جداگانه جمع‌آوری کرده مورد بررسی قرار داده ایم؛ تا باشد که مورد توجه قرار گیرد.

وما توفیقی الا بالله العلی العظیم.

## روش انجام تحقیق

روش ما در این تحقیق روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی می‌باشد به این معنا که آیات، روایات و سخنان اندیشمندان دینی را در ارتباط با این موضوع جمع‌آوری نموده، آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده ایم.

## گردآوری اطلاعات و داده‌ها

روش ما در گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه‌ای می‌باشد که با مراجعه به کتابخانه‌ها از متون و منابع موجود و در دسترس که با این موضوع ارتباط پیدا می‌کرد یادداشت‌های انجام گرفته و آنگاه داشته‌ها به صورت کنونی تنظیم و سامان‌دهی شده است.

## قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق موضوعی می‌باشد. زیرا موضوع بحث موارد و وجوب زکات است که محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد؛ هر چند از جهت زمانی و مکانی نیز مورد بحث قرار گرفته است. زیرا شکی

نیست که جوامع امروزی از جهات گوناگون با جامعه صدر اسلام متفاوت است و اموال و ثروت مردم نیز به مراتب دارای تنوع بیشتر و متفاوت از اموال و ثروت مردم عصر تشریح می باشد به طور طبیعی این بحث به وجود می آید که آیا مواردی که زکات واجب به آن تعلق می گیرد باز هم همان موارد نه گانه مشهور در عصر تشریح است و یا اینکه با توجه به تنوع و دیگرگونی به وجود آمده در نحوه زندگی و ثروت مردم، متناسب نیاز جوامعی که در هر زمان و مکان به وجود می آید؛ موارد متعلق به وجوب زکات نیز دیگرگون می باشد؟

### موانع و مشکلات تحقیق

شکی نیست که هر تحقیقی دارای موانع و مشکلات خاص خود می باشد که محقق در طول تحقیق با آنها روبرو و مواجه می گردد، ما در این رساله به اهم آنها اشاره می نمائیم.

- ۱- اضطراب، نبود آرامش و امنیت روحی.
- ۲- مقررات خاص کتابخانه ها.
- ۳- نبود زمان کافی و....

### سامان دهی تحقیق

این رساله در یک مقدمه و پنج فصل سامان دهی شده است. در مقدمه بیان مسأله و... آمده، در فصل اول کلیات و مفاهیم قرار گرفته، در فصل دوم وجوب زکات و دلایل آن آمده، در فصل سوم موارد قطعی وجوب زکات ذکر شده، در فصل چهارم انحصار وجوب زکات و عدم آن در موارد نه گانه بیان شده؛ و در فصل پنجم دلایل هر دو دیدگاه مورد بررسی واقع شده است.

### یاد آوری

در ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (دام ظلّه العالی) استفاده شده است.



## فصل اول: مفاهیم و کلیات

### ۱- نصاب

#### الف) نصاب در لغت

برای نصاب لغویین معانی متعددی ذکر کرده اند. خلیل قراهیدی (۱۰۰۰-۱۷۵۰) که از لغویین مشهور و هم عصر یا معصوم علیه السلام می باشد؛ در معنای آن چنین می نویسد: «نصاب کل شیء اصله و مرجعه الذی یرجع الیه»<sup>۱</sup> یعنی نصاب هر چیزی ریشه و اساس و محل برگشت آن است.

ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «النصب: الاعیاء من العناء. والفعل نصب الرجل، بالكسر، نصاباً: أعبأ وتعب، وأنصبه هو، وأنصبی هذا الامر...»<sup>۲</sup> و فی الحدیث: فاطمة بضعه منی، ینصبی ما أنصبها أى یتعبی ما أتعبها. والنصب: التعب»<sup>۳</sup> نصب یعنی خستگی از غم و اندوه، و فعل آن نصب، به کسر عین الفعل [ینصب] نصاباً، مرد خسته و مانده شد، او، او را خسته کرد، و این کار به رنج و سختی انداخت، و در حدیث است: فاطمه یارة تن من است، آزرده می سازد. مرا آنچه که او را آزرده سازد؛ نصب یعنی رنج و سختی.

و در جای دیگر می نویسد: «و المنصب، والنصاب، الاصل والمرجع، والنصاب جزأة السکین، والجمع نصاب، ... ونصاب کل شیء اصله، ... والنصاب من المال، القدر الذی یجب قیه الزکاة إذا بلغه، نحو مأتی درهم و خمس من الابل، ونصاب الشمس مقبها و مرجعها الذی یرجع الیه»<sup>۳</sup> یعنی: منصب و نصاب به معنای ریشه و محل برگشت است. و به معنای قبضه و دسته کارد، و جمع آن نصب است. و نصاب هر چیزی ریشه و اساس آن است. و نصاب، مال عبارت است از آن مقداری که هر گاه به آن برسند زکات در آن واجب می شود مانند، دو بیست

۱. خلیل بن أحمد قراهیدی، کتاب العین، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰ هـ، دوم ۱۳۷/۷.

۲. علامه ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، قم، آدب الحوزة ۱۴۰۵ هـ، اول، ۷۵۸/۱ و مجد الدین ابی السعادات مبارک بن محمد ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والثر، قم، مؤسسه اسماعیلیان ۱۳۶۴ هـ ش، چهارم، ۶۲/۵.

۳. ابن منظور، لسان العرب ۷۶۱/۱.

درهم و پنج شتر، و نصاب خورشید محل غروب و برگشت آن است.

محمد مرتضی زبیدی در تاج العروس می نویسد: «و نصاب کل شیء: اصله. ومن المجاز أيضاً النصاب من المال وهو القدر الذي تجب فيه الزكاة إذا بلغه نحو مأتی درهم وخمس من الابل. جعله في المصباح مأخوذاً من نصاب الشيء وهو أصله»<sup>۱</sup>. نصاب هر چیزی ریشه و اساس آن است، و باز هم از باب مجاز نصاب مال است، و آن مقداری است که هر گاه به آن برسد زکات در مال واجب می شود مانند: دوست درهم و پنج شتر. و در مصباح آن را برگرفته از نصاب شیء قرار داده است؛ و آن اصل و اساس چیز است.

دکتر احمد فتح الله در معجم الفاظ فقه جعفری می نویسد: «النصاب: الاصل، كما في عبارة رجعت الامور الى نصابها»<sup>۲</sup>. یعنی نصاب به معنای اصل است. چنانکه در عبارتی آمده است: امور به نصاب خود برگشتند یعنی به اصل خود برگشتند. و لغویین دیگر هم همین معانی آورده شده را در کلمات خودشان ذکر کرده اند.

همچنین از این باب است؛ سخن عقيلة بنی هاشم حضرت زینب کبری سلام الله علیها خطاب به امام زین العابدین علیه السلام که فرمود: «...و ينصبون هذا اللفظ علماً لقبر أبيك سيد الشهداء لا يدرس اثره ولا يعفور سمه على كروور الیالی والایام...»<sup>۳</sup> و در این سرزمین (ساحل فرات = کربلا) برای قبر پدرب سید الشهداء علیه السلام علامت و پرچمی برپا کنند که بر اثر گذشت شبها و روزها اثرش کهنه نشود و نشانه آن از بین نرود.

از آنچه که آورده شد این مطلب به دست می آید؛ که نصاب در لغت دارای معانی مختلف و گوناگون می باشد مانند: اصل و مرجع، اول هر چیزی، بلند کردن چیزی، نشان دادن درخت، قیضه کارد، رنج و تعب، محل غروب خورشید، عدد مشخص و معین، ... و مقداری از مال که زکات در آن واجب است؛ و اصل نصاب به معنای تثبیت و برپا داشتن چیزی به طور روشن و آشکار است، و تمام معانی که برای آن ذکر شده است، به این معنا بر می گردد و از مصادیق آن به حساب می آید.

### ب) نصاب در اصطلاح

در اصطلاح فقهاء، نصاب عبارت است: از آن مقداری که برای موضوع زکات و غیر آن حد [علامت]

۱. محب الدین سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیاء ۱/ ۸۷.

۲. احمد فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری، ۱۴۱۵ق، اول / ۲۶.

۳. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، نشر فقهائ ۱۴۱۷ق، اول، ۴۴۵. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، قم، هجرت ۱۴۱۲ق.

قرار داده شده است، مثل تعداد انعام و اوزان غلات و نقدین.<sup>۱</sup> که هرگاه انسان مالک آن مقدار از مال باشد زکات در آن واجب می‌گردد. در معجم الفاظ فقه جعفری آمده است: «اصطلاحاً المقدار الذی یتعلق به الواجب، کالزکاة واقامة حد السرقة».<sup>۲</sup> یعنی: نصاب در اصطلاح عبارت است از آن مقداری که واجب به آن تعلق می‌گیرد، مانند زکات و اقامه حد دزدی. بنابراین این معنای اصطلاحی نصاب گرفته شده از معنای لغوی آن است که بعضی به عنوان معنای اصلی و بعضی به عنوان معنای مجازی ذکر کرده‌اند.

## ۲- نقدین

### الف) نقدین در لغت

نقدین تشبیه نقد، و جمع آن نقود است. دانشمندان لغت نسبت به موارد استعمال آن معنای متعددی را بیان کرده‌اند، از قبیل جدا ساختن، آشکار نمودن، دادن، گرفتن، و غیر اینها. خلیل فراهیدی می‌نویسد: «النقد: تمییز الدرهم وإعطاء کما انساناً وأخذها».<sup>۳</sup> نقد عبارت است از جدا سازی درهم‌های [خوب و بد] از یکدیگر، و دادن تو آنها را به انسانی و گرفتن او آنها را. جوهری می‌نویسد: «نقدته الدرهم ونقدت له الدرهم، أی أعطیته فانقدتها أی قبضتها. ونقدت له الدرهم وانتقدتها، إذا أخرجت منها الزیف».<sup>۴</sup> یعنی: درهم‌ها را نقد کردم به این معنا است که درهم‌ها را به او دادم و او هم قبول نقد کرد یعنی گرفت آنها را و [بمی‌گویی] درهم‌ها را برای او نقد کردم و درهم‌ها را نقد کردم، وقتی که درهم‌های پست و ناخالص را از آن بیرون سازی. نزدیک به همین عبارت در مجمع البحرین نیز آمده است.<sup>۵</sup>

ابن منظور می‌نویسد: «النقد والتقاد، تمییز الدرهم وإخراج الزیف منها».<sup>۶</sup> یعنی: نقد و انتقاد به معنای جدا نمودن درهم‌ها و بیرون نمودن درهم‌های ناخالص و [قلایی] از میان آنها است.

ذکتر سعدی ابوحیب در کتاب قاموس می‌نویسد: «نقد الدرهم - نقداً: میزها، ونظرفیها ليعرف جیدها من

۱. نک. علی مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، قم، الهادی، سوم/ ۵۴۸.

۲. احمد فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری/ ۴۲۶.

۳. خلیل فراهیدی، العین ۵/ ۱۱۸.

۴. إسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، قاهره، دار العلم للملایین ۱۳۷۶ هـ اول، ۲/ ۵۴۴.

۵. نک. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین و مطلع النیرین، فرهنگ اسلامی ۱۴۰۸ هـ دوم، ۴/ ۳۵۹.

۶. ابن منظور، لسان العرب ۳/ ۴۲۵.

ردیها- الکلام: أظهر ما به من العيب»<sup>۱</sup> درهم ها را نقد کرد یعنی از هم جدا کرد؛ و در آنها نظر کرد تا خوب های آن را از بدهای آن بشناسد. و کلام را نقد کرد یعنی عیبهای آن را روشن کرد. بنا بر این نقد در لغت به معنای سره کردن و جدا ساختن چیزهای خوب از چیزهای بد و متمایز نمودن زیبایی ها و عیبهای گفتار می باشد.

### ب) نقدین در اصطلاح

آقای مشکینی در مصطلحات الفقه می نویسد: «النقد قد يستعمل في اللغة مصدرًا بمعنى تمييز الشيء عن غيره، يقال نقد الدرهم: ميزه. ونقد الكلام: أظهر ما به من العيب والمحاسن. وقد يستعمل في أعيان خارجية خاصة اعتبرها العقلاء مالية استقلالية، في حدود معينة ومراتب مختلفة، فجعلوها ميزاناً وملاكاً لتعيين ماليتها ساير الأعيان والأموال وسموها نقوداً. وكانت في عصر صدور الروايات منحصرة في الذهب والفضة والفلوس السود، وقد كثر استعمال النقد في الأعيان المتأخرة في القرايطيس والأوراق المتداولة بين الأمم؛ كلهم في جميع الممالك الأرض ودولهم على اختلاف كثير في أقسامها وخصوصياتها»<sup>۲</sup>.

یعنی: نقد در لغت گاهی به معنای مصدری می آید؛ در این صورت، به معنای جدا ساختن چیزی از غیر آن است. وقتی گفته می شود درهم ها را نقد کرد؛ یعنی آنها را از هم جدا کرد. و وقتی گفته می شود کلام را نقد کرد؛ یعنی زشتی ها و زیبایی های آن را آشکار و بیان کرد. و گاهی در اعیان خارجی مخصوص بکار می رود، که عقلاء در اندازه های مشخص و مراتب گوناگون برای آنها مالیت مستقل قرار داده اند، و آنها را میزان و ملاک تعیین مالیت برای دیگر اجناس و اموال قرار داده اند و آنها را نقد نام نهاده اند. که در عصر صدور روایات در طلا و نقره و پولهای سیاه منحصر بوده اند، و در عصرهای بعدی نقد در پولهای کاغذی که بین تمامی ملتها در تمام کشورها و دولتهای روی زمین، متداول است، اگر چه در انواع و خصوصیات باهم اختلاف زیادی دارند، به کار برده شده است.

در معجم الفاظ فقه جعفری آمده است: «الأوراق النقدية: الأوراق المعتبرة أموالاً، كاليرة والريال والدولار والدینار ونحوها ويقابلها النقدان، وهما الذهب والفضة»<sup>۳</sup>. یعنی: اوراق نقدی عبارت از مالهای مانند لیره، ریال، دلار، دینار و مانند آن است که مالیت دارند، و در مقابل آن نقدین است که عبارت از طلا و نقره [درهم و

۱. سعدی ابوجیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق، دار الفكر ۱۴۰۸ هـ = ۱۹۸۸ م، دوم / ۳۵۸.

۲. میرزا علی مشکینی، مصطلحات الفقه / ۵۴۵.

۳. دکتر احمد فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری / ۷۷.